

## شاعران ایران و روس



اینک اگرچه در گوش و کنار مراکز علمی کشور به صورت انگشت‌شمار مقاله یا رساله‌ای در این باره نوشته شده (با می‌شود)، هنوز مسئله «ادبیات و تاثیر آن در جنگ‌های ایران و روس» از موضوعات مهم و در خور بررسی است.

«بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که ادبیات ایران در این دوره به شکل بی‌سابقه‌ای از خود واکنش نشان داده است... ادیان به صحتی آفریش‌های ادبی کشانده شده‌اند.»<sup>۴</sup> می‌توان گفت تو گروه عمدۀ در میان طبقات مختلف مردم در مسئله جنگ‌های ایران و روس سهم بسیاری داشتند. که یکی شاعران و دیگری عالمان دینی بودند.

با تشدید جنگ‌های ایران و روس، بهویژه در دوره دوم، رؤسای دین با صدور فتواهای متعدد، مردم ایران، بهویژه ساکنان سرزمین‌های قفقازی را به مقابله با تجاوز‌گری‌های روس موظف و تشویق می‌کردند.<sup>۵</sup> در این میان ملا‌احمد نراقی (شاعر مثنوی طاقدیس) و آقا سید‌محمد مجاهد، دو تن از علمای معروف آن دوره، به دیدار فتحعلی‌شاه رفتند و لزوم دقت در جنگ با روس را یادآور شدند. سپس حرکت‌های مختلفی از سوی سایر علمای دین انجام شد تا بدانجا که مجموعه این فتواها و احکام شرعی روحايان درباره مبارزه با لشکر روس را میرزا عیسی، قائم‌مقام فراهانی در کتابی موسوم به «احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد» تدوین و منتشر کرد.

از آنجاکه مخاطب مجموعه فتواهای علمای دین عموم طبقات مردم بودند، نتیجی که در نگارش این احکام به کار گرفته شد، بسیار ساده و روان بود. در این زمان بود که نخستین بارقه‌های ورود ادبیات به میان طبقات مختلف مردم زده می‌شد.

افرون بر علما، شاعرانی نیز بودند که با مطالعه اوضاع جامعه، بخشی از مطالب دواوین شعری خود را به مسئله جنگ‌های ایران و روس اختصاص دادند. این گروه از شاعران عمدتاً به گونه‌ای با دربار قاجار ارتباط داشتند. اهمیت کار این گروه از شاعران زمانی مشخص می‌شود که بدایم در این برره از تاریخ ادبی ایران، بار دیگر مضامین تکراری و ملال آور ادبی همچون سخن از خال و خط مشوق تکرار می‌شد و شاعران، بازگشت به اسلوب قدما را سرلوحة کار خود قرار داده بودند.

در این حال شاعرانی همچون فضل‌الله خاوری شیرازی، محمر اصفهانی، قائم‌مقام فراهانی و میرزا تقی علی‌آبادی (صاحب دیوان) با انعکاس جنگ‌های ایران و روس در شعرهای خود و شرح دلاوری‌های سربازان ایرانی در سپاهیان متتجاوز روس، نخستین آجرهای بنای «ادبیات ضد استعماری» را بنیاد گذاشتند و بدین‌سان بود که شعر ایران دوره قاجار، که به وادی تقلید و ابتدا گراییده بود، جانی تازه گرفت و به میان مردم بازگشت.

با هجوم روسیه به سرزمین‌های قفقاز ایران، دور اول جنگ‌های ایران و روس در سال ۱۲۱۸ ق. آغاز شد.<sup>۶</sup> اگرچه نخستین دوره این جنگ‌ها با رشد سربازان و دلیری فرماندهی چون عباس‌میرزا همراه بود، به دلایلی چند، سربازان ایرانی از عهدۀ هجوم دشمن متتجاوز بزیستند و این کارزار با سرانجامی بُد منتهی شد: عهدنامۀ گلستان.

با انعقاد عهدنامۀ گلستان، بخش‌های وسیعی از شهرهای قفقازی کشورمان به روسیه واگذار شد، اما دیری نپایید که روسیه با استفاده از اعمال کاری و سست‌عنصری شاه قاجار، دوره دوم جنگ‌های خود با ایران را به منظور تصرف مناطق بیشتری از خاک کشور آغاز کرد.

اگرچه دوره دوم این جنگ‌ها با پیروزی‌های نسبی طرف ایرانی همراه بود و به دلیل اعلام جهاد عمومی از سوی علمای دین، تعداد بی‌شماری از مردان ایران در جبهه‌های نیزد حضور داشتند، این بار به دلیل بی‌نظمی‌های حاکم در میان فرماندهان جنگ، که عمدتاً از «رقابت شاهزادگان با عباس‌میرزا» ناشی می‌شد، فتور و ضعف تشکیلاتی بر سپاهیان ایران حکم‌فرما گردید و افرون بر اینکه بخش‌هایی دیگر از خاک قفقاز به روسیه واگذار شد، مقدار بسیاری طلا و مسکوکات نیز به دشمن متتجاوز گردیدند!

یکی از مباحث مهمی که درباره جنگ‌های ایران و روس کمتر بدان توجه شده، مسئله ادبیات در این جنگ‌هاست. شاید برای نخستین بار، یحیی آرین پور در «از صبا تا نیما» به اهمیت بررسی این موضوع توجه نشان داد و سپس هدایت‌الله بهموبدی در رساله کم‌حجمی با عنوان «ادبیات در جنگ‌های ایران و روس» به بخشی از این مسئله — اندکی مفصل تر از آرین‌پور — اشاره کرد.

«فرهنگ و ادب ایران در این دوره با پدید آمدن سبک بازگشت، که در حقیقت تقلید از دوره‌های گذشته بود، آخرین نفس‌های حیات خود را در جدایی از مردم و جامعه می‌کشد.»<sup>۱</sup>

مورخ مشهور معاصر، عبدالهادی حایری درباره این دوره نوشته است: «فرهنگ ایران در آغاز سده نوزده از گونه‌ای از ادبیات و آثار اسلامی برخوردار شد که می‌توان آن را 'ادب جهادی' نامید.»<sup>۲</sup>

تحول عظیمی که در ادبیات دوره بیداری در مشروطه و در شعر پیشگامان تجدیدخواهی رخ داد، در بازتاب یافتن جنگ‌های ایران و روس در شعر شاعران این دوره ریشه داشت؛ رسنهای که بعدها درخت «تجدد ادبی» را بارور ساخت.

به طور مثال قائم مقام فراهانی در غزلش درباره نکوهش الهیار آصف‌الدوله به دلیل امتناع از رویارویی با سپاه روس آورده است:

بگریز بهنگام که هنگام گریز است  
رو در بی جان باش که جان سخت عزیز است  
از رود ارس بگذر و بشتاب که اینک  
روس است که دنبال تو برداشته ایز است

بعدنا نمونه‌هایی از این اشعار، مقدمه و زمینه‌ای برای عارف قزوینی شد تا در غزل‌های سیاسی خود بگوید:

چه کرد عشق تو عاجز ز گفتمن؛ آن کرد  
به من که دوره شوم قجر به ایران کرد  
خدا چو طرة زلفت کند پریشانش  
کسی که مملکت و ملتی پریشان کرد

در این میان نباید آغاز نهضت تجدیدخواهی ادبی و اجتماعی از آذربایجان را با مسئله جنگ‌های ایران و روس بی ارتباط دانست. آذربایجان به واسطه هم‌جواری با قفقاز در رهگذر جنگ‌های ایران و روس بیشترین سهم را داشته است.

دامنه تحولات ناشی از این جنگ‌ها به مقولات ادبی و شعری منحصر نبود، بلکه به جامعه نیز تسری یافت. «ملت ما بعد از جنگ‌های ایران و روس دستخوش تحولات سریع، متفاوت و متناقض گردید. تمدنی تجدد و ترقی، اخذ و تسخیر تمدن فرنگی و تشبیث به آداب و عادات فرنگی از جمله دگرگونی‌هایی بود که آداب، سنت، اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاق فردی و اجتماعی و حتی صورت ظاهری سرزمین ما را در معرض تغییرات جدی قرار داد.<sup>۳</sup> البته این «تمدنی تجدد و ترقی» ظاهراً به دلخواه مردم نبود و در شکل‌گیری آن سیاست استعمارگران در سده نوزدهم و بیستم میلادی نیز تأثیر داشته است. «در ایران... ترویج اباحدگری و

دنیاگرایی و پدید آوردن طبقه‌ای خاص از خواص روشنگر که اصول فکری آنها همساز با فرهنگ غربی باشد... از اوآخر سلطنت فتحعلی‌شاه و پس از جنگ دوم ایران و روس آشکارا شروع شد.»<sup>۴</sup>

در میان شاعران پیشگام در پی‌ریزی ادبیات ضد استعماری، ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، به دلایلی، بازترین چهره محسوب می‌شود. او فرزند میرزا عیسی قائم مقام است؛ کسی که جمع‌آوری متن فتوحهای علمای دین در جهاد با روس را به



فرمان شاه بر عهده گرفت و در تحول نثر فارسی تأثیر بسزایی داشت. میرزا ابوالقاسم، که در خاندان ادب پرور «قائم مقام» رشد می‌یافت، سال‌ها در کنار عباس‌میرزا در جنگ‌های ایران و روس بهطور ویژه و مستقیم حضور یافت و از نزدیک از امور آگاهی داشت. بدین‌سان دیوان اشعار او از منابع مهم برای بررسی کارکرد ادبیات در دوره جنگ‌های یادشده به شمار می‌رود. «اهمیت اشعار قائم مقام در آن است

که وی برخلاف معاصران خود، که هیچ‌گونه اشاره‌ای به حادث زمان نمی‌کنند، در بعضی از این اشعار از حادث و پیشامدهای روز سخن می‌دارد.»<sup>۵</sup>  
میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی به سال ۱۱۹۳ ق تولد یافت. پدرش وزیر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه بود. ابوالقاسم پس از وفات پدر منصب او را یافت. ملک‌الشعراء بهار درباره قائم مقام نوشته است: «قائم مقام پیشکاری عباس‌میرزا نایب‌السلطنه را بر عهده گرفت و به رتق و فتق کارهای شاهزاده مشغول شد، میرزا ابوالقاسم در امور صلح و معاهدات با روس مساعی واقی مبذول داشت و موفق گردید که در ضمن مصالحة و معاهده ترکمن‌چای، تزار روس را حامی خانواده عباس‌میرزا سازد. و پادشاهی ایران را با وجود برادران قوی پنجه دیگر برای آقای خویش شش‌میخه نماید و بعد از او هم سلطنت را برای محمد‌میرزا، فرزند ولی‌نعمت خود، ذخیره سازد. همین معنی در تهران موجب گله‌گزاری‌ها و بانگ‌ها و فریادها شد. ولی میرزا ابوالقاسم کار خود را کرده بود... اما عباس‌میرزا نماند و در خراسان بدرود حیات گفت، پسرش محمد‌میرزا با وزیر پدر میانه نداشت... در صفر سنه ۱۲۵۱ ق به باغ نگارستان او را احضار کرد و دزخیمان، آن سیدنیزگور را بر زمین افکنده با فشردن دستمال در حلق خفه ساختند چنان‌هاش را شبانه در جوار حضرت عبدالعظیم به گور سپرندند.»<sup>۶</sup>

قائم مقام خدمات ارزنده‌ای در امور نظامی، تأسیس کارخانه، تنظیم حقوق یادداشت، تأسیس قوه مقننه و... به ایران انجام داد. بالین حال سهمی بی‌بدیل او در عرصه ادبیات، بهویژه اهتمام ویژه‌اش در تحولات نثر ادبی (پرهیز از مغلق‌نویسی و دوری از تکلف قاجاری) و تحولات مربوط به شعر فارسی (پایه‌گذاری ادبیات ضد استعماری)، نامش را در تاریخ ادبیات ایران ماندگار ساخته است.

جالب این است که خود قائم مقام فراهانی به سهم روش خویش در پیدایش نوع جدیدی از ادبیات و سیر آن اذعان کرده است. دستیابی به این اشاره صریح قائم مقام مدیون کتاب «خوابنامه» اثر اعتماد‌السلطنه — وزیر معارف کاینده امیرکبیر — است. خوابنامه، که در ردیف آثار رمزی و تمثیلی است، برای نخستین‌بار در مجله «ارمنان» معرفی، و به این نکته قائم مقام در آن اشاره شد: «مختصر این خدمت من به ادبیات ایران آن خدمت است که شاتوربریان فلنن روسو به ادبیات فرانسه کردند و شکسپیر به ادبیات انگلیسی و شیلرگوته به ادبیات آلمان و تولستوی به ادبیات روس نمودند و چون من این راه را باز کردم دیگران هم بعد از من بر اثر آن رفتند».»<sup>۷</sup>

دکتر محمد استعلامی در کتاب ارزشمند «ادبیات دوره بیداری و معاصر» در معرفی قائم مقام فراهانی،

نشر او را در عین سادگی و شیرینی، دارای «بویی از پیداری فرهنگی و تحول تمدنی و اجتماعی که شاید تختستین جرقه‌های انقلاب را نیز بتوان در آن دید» معرفی کرده است.<sup>۱۲</sup>

گفته شد که قائم مقام فراهانی به دلیل حضور مستقیم در جنگ‌های ایران و روس، بخش عمدۀ و معتبرانه از دیوان شعر خود را به عنکاس حوادث این جنگ‌ها اختصاص داده است. در ذیل به مواردی از آن اشاره شده است:

وی در نکوهش سربازانی که از جبهه نبرد با روس گریخته‌اند گفته است:

روم شوم و روس منحوس از دو جانب  
عزمشان تسخیر آذربایجان شد  
صد سفر چون هفت خوان کرد این تهمتن  
گر تهمتن یک سفر در هفت خوان شد  
رایش را کایت فتح است جولان  
گاه در شروان و گه در بیلقان شد<sup>۱۳</sup>

و در بخشی دیگر چنین سروده است:

گویی که حرام است بر او راحت و آرام  
مادام که بیرون نکند روس ز ازان<sup>۱۴</sup>

عباس‌میرزا و دلاوری‌های او و دیگر سربازان  
شجاع ایرانی در جنگ با روسیه تزاری، به  
قهرمانانهای شاهنامه‌فردوسی و مقایسه‌آنها با هم،  
در موارد متعددی دیده می‌شود. بعدها این مقایسه‌ها  
به پیدایش آثاری به نام «شاهنشاهنامه» انجامید.  
قائم مقام فراهانی در یکی از قصاید شیوای  
خود، که زبانزد خاص و عام است، شکست ایران از  
قوای روس را نمونه‌ای از «بازیچه‌های بسیار چرخ»  
دانسته و گفته است:

روزگار است اینکه گه عزت دهد گه خوار دارد  
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد  
مهر اگر آرد بسی بی‌جا و بی‌هنگام آرد  
قهر اگر دارد بسی ناساز و ناهنجار دارد...  
گه به تبریز از پطربورغ اسپهی غلاب راند  
گه به تقليس از خراسان لشکری جرار دارد<sup>۱۵</sup>

قائم مقام فراهانی، که در شعر «ثنایی» تخلص  
می‌کرد، در یکی از قصاید خود، که در «موقعه به  
نایب‌السلطنه و نایب‌امانی اوضاع آذربایجان» سروده  
به او توصیه کرده است:

گر روس به کین خیزد چون سد سکندر باش  
ور رویهی آغازد با حمله ضیغم باش  
سریاز و سوار اول از خیل عجم بگزین  
پس عزم جهاد روس جزم آر و مصمم باش

او در همین شعر به مسئله مرگ تزار الکساندر،  
فرمانده قشون روس، اشاره کرده است:

غوغاست به روس اندر، از مرگ الکساندر  
این خیل و حشر تا حشر گو درغم و ماتم  
باش<sup>۱۶</sup>

ای خائن نان و نمک شاه و ولیعهد  
حق نمک شاه و ولیعهد گریز است!  
برگشته به صد خواری و بی‌عاری و اینک  
باز از بی‌اخذ طمع دانک و قفیز است...  
از رود ارس بگذر و بشتاب که اینک  
روس است که دنیال تو برداشته این است<sup>۱۷</sup>

وی در بخشی از دیوان، دلایل مخالفت خود با  
ادامه جنگ ایران و روس را مربوط به مسائل نظامی  
و قلت سیاهیان دانسته و خاطرنشان ساخته که چند  
سالی است که «وظيفة سپاهیان» پرداخت نشده  
است. بعدها نیز ثابت شد، همان‌طور که قائم مقام  
پیش‌بینی کرده بود، خستگی مفرط روحی و جسمی  
سریازان ایرانی به شکست ایران از قوای روس  
منجر شد:

کاین جنگ و جدالی که تو در خاطر داری  
کاری است که بس عده و دشوار و گران است  
وین خیل و سپاهی که تو را باشد امروز ،  
با طایفة روس کجا تاب و توان است  
امسال سه سال است که این خیل و حشم را  
نه جیره و نه جامه و نه مشق و نه سان است  
سی روز بود روزه به هر سال و درین سال  
روز و شب ما جمله چو روز رمضان است...<sup>۱۸</sup>

بخشندهای از سرودهای قائم مقام نیز در وصف  
دلاوری‌های عباس‌میرزا، فرمانده قشون ایران، در  
جنگ با روس است. وی در یکی از این سرودها  
به مناسبت بازگشت پیروزمندانه نایب‌السلطنه چنین  
آورده است:

خسرو غازی ابوالمظفر عباس  
آمد و با فتح و نصرت و ظفر آمد  
آن که مگر برق تیغ اوست که هر جا  
خرمنی از کفر دید شعلهور آمد...  
پس خبر آمد به شاه روس که اینک  
موکب شه همچو سیل منحدر آمد...<sup>۱۹</sup>

شاعران با انعکاس جنگ‌های  
ایران و روس در شعرهای  
خود و شرح دلاوری‌های  
سریازان ایرانی در ستیز  
با سپاهیان متتجاوز روس،  
نخستین آجرهای بنای  
«ادبیات ضد استعماری» را  
بنیاد گذاشتند و بدین‌سان  
بود که شعر ایران دوره قاجار،  
که به وادی تقلید و ابتذال  
گراییده بود، جانی تازه گرفت  
و به میان مردم بازگشت

قائم مقام سپس به جنگ «لباران»، که در موضعی به نام «هشتدرک» بین ایران و روس روی داد و به پیروزی ایران انجامید، اشاره کرده است:

ای که شنیدی سخن ز هول قیامت حیز و قیامت به دشت هشتدرک بین هشتدرک نی که صد هزار هزاران از درکات جحیمیش آمده تضمین ایزد دانا و پادشاه توانا کرد به عباس شه توجه و تحسین...<sup>۱۳</sup>

اشارات مهم دیگر قائم مقام فراهانی به جنگ‌های ایران و روس و بازتاب آن در میان مردم در مثنوی «جلایر نامه» او به چشم می‌خورد. این مثنوی بعدها مورد توجه ایرج میرزا در سروdon «غارف نامه» قرار گرفت.<sup>۱۴</sup>

به گفته سیدبدالدین یغمائی، قائم مقام این مثنوی را با اهداف عمده ذیل سروده است:

(الف) قائم مقام در صدد بود پس از صلح ترکمن چای، مصدقاق باز خادم و خان ملت را در میان درباریان عصر نشان دهد؛  
(ب) خدمات عباس میرزا به مردم ایران گوشزد گردد.<sup>۱۵</sup>

اگرچه در دیوان قائم فراهانی (نسخه بدraldین یغمائی) هشت صفحه به «شعار تازی» شاعر اختصاص یافته، در این شعرهای عربی، به جز اشاراتی جزئی و بسیار کم‌رنگ، مطلبی درباره جنگ‌های ایران و روس نیامده است. این اشارات کم‌رنگ نیز ماحصل مدح فتحعلی‌شاه و عباس میرزاست.

با این حال استاد هدایت‌الله بهبودی در کتاب خود ریشه در ورود شاعرانی از نسل قائم مقام فراهانی به صحنه جنگ‌های ایران و روس دارد.

به هر حال مسلم است که بخش مهمی از شعر فارسی که بعدها زمینه‌ساز تجدخواهی ادبی شد، ریشه در ورود شاعرانی از نسل قائم مقام فراهانی به صحنه جنگ‌های ایران و روس دارد.

### پی‌نوشت‌ها

\* محقق، نویسنده و مدرس دانشگاه.  
۱- برای آگاهی از جزئیات زمینه‌ها و نتایج جنگ‌های ایران و روس منابع متعدد تالیف شده است. یکی از موارد مهم آنها مقدمه‌ای عالمانه‌ای است که دکتر غلامحسین زرگری نژاد بر کتاب مأثر سلطانیه اثر مقتون دنبلي نگاشته است: عبدالرزاق مقتون دنبلي، مأثر سلطانیه، به تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: ایران، ۱۳۸۲.

۲- یحیی ارین پور در کتاب ارزشمند «از صبا تا نیما»

پس از نگارش مقدمه‌ای کوتاه با عنوان «دوره‌ای بحرانی در تاریخ ایران» به مسئله «شکست‌های ایران و روسیه» اشاره کرده و ضمن بحث مستوفای، حوادث آن زمان را مقدمه‌ای برآغاز نهضت تجدد ادبی از اذربایجان - جوار قفقاز - دانسته است: رک: یحیی ارین پور، از صبا تا نیما، مقدمه، تهران: زوار، چ ششم، ۱۳۷۵

سل غن ممالک فُرس این کنجتها  
ام این قبتها ام این شروان  
ام این شکی و ابطال اذا رجلوا  
اسد و این رکوا صقر و عقبان  
ام این باکو و احزاب اذا سکنا  
بحرون هجموا سیل و طوفان

آنگاه به مساجد و مدارس ویران قفار اشاره شده است: